

قومش جوابی برای گفتن نداشتند؛ برای همین، یک صدا شدند: «لوط و خانواده‌اش را از شهرتان بیرون کنید؛ چون که آن‌ها جماعتی خشکه مقدس اند!»^{۵۶} پس لوط و خانواده‌اش را نجات دادیم و از شهر بیرون بردیم، جز زنش را که برنامه ریختیم با جامانده‌ها گرفتار عذاب شود!^{۵۷} بقیه مردم شهر را هم، با گل‌هایی سفت سنگ باران کردیم. خیلی وحشتناک بود سنگ باران این هشدار داده شده‌ها!^{۵۸}

محمد، بگو: «الحمد لله که خدا نابودشان کرد و مؤمنان را نجات داد و سلام بر بندگان برگزیده خدا.» حالا خدا بهتر است یا بت‌هایی که به جایش می‌پرستند؟^{۵۹} بت‌ها بهترند یا آن‌که آسمان‌ها و زمین را آفریده است و از آسمان برف و باران می‌فرستد؟ به برکتش، باغ‌های سرسبز و باصفا پرورش می‌دهیم که رویاندن دارودرختش در توان شما نیست. آیا معبودی هم‌ردیف خدا هست؟! نه، بلکه بت پرست‌ها جماعتی منحرف‌اند.^{۶۰}

بت‌ها بهترند یا آن‌که کره زمین را آرام و قرار داده و درشیا‌های آن، رودهای کوچک و بزرگ جاری کرده و برایش کوه‌های استوار گذاشته و بین دریا‌های شور و شیرین انگار دیواری ایجاد کرده است؟! آیا معبودی هم‌ردیف خدا هست؟! نه، بلکه بیشتر بت پرست‌ها نفهم‌اند.^{۶۱}

بت‌ها بهترند یا آن‌که خواسته هر درمانده‌ای را وقتی صدایش بزند، برآورده می‌کند و گرفتاری‌اش را برطرف می‌سازد و شما را از منافع مادی زمین بهره‌مند می‌کند! آیا معبودی هم‌ردیف خدا هست؟! حیف که کمتر به خود می‌آیید!^{۶۲} بت‌ها بهترند یا آن‌که در تاریکی‌های صحرا و دریا راهنمایی‌تان می‌کند و همان‌که با‌دها را می‌فرستد تا مژده‌رسان باران رحمتش باشند؟! آیا معبودی هم‌ردیف خدا هست؟! خدا از بت‌هایشان برتر است.^{۶۳}

بت‌ها بهترند یا آن‌که موجودات را پدید می‌آورد و بعد از مرگ، دوباره زنده‌شان می‌کند و همان‌که از آسمان و زمین به شما روزی می‌دهد؟ آیا معبودی هم‌ردیف خدا هست؟! بگو: «اگر راست می‌گویید، دلیلتان را بیاورید.» ۶۴

بگو: «جز خدا، آن‌هایی که در آسمان‌ها و زمین‌اند، غیب را نمی‌دانند و حتی نمی‌فهمند بعد از مرگ، کی دوباره زنده می‌شوند.» ۶۵ اصلاً چون منکران معاد همه هوش و حواسشان به دنیاست، درباره آخرت خیلی کم می‌دانند؛ تازه در همان کم هم، شک می‌کنند! بلکه بدتر: دچار کوردلی‌اند! ۶۶

این‌ها می‌گویند: «ما و پدرانمان بعد از اینکه مردیم و به خاک تبدیل شدیم، باز واقعاً زنده از گور بیرونمان می‌آورند؟! ۶۷ از این جور وعده‌ها به ما و پدرانمان قبلاً هم داده‌اند! این‌ها چیزی جز افسانه‌های گذشتگان نیست!» ۶۸

بگو: «به گوشه و کنار دنیا سفر کنید و ببینید آخر عاقبت گناهکارها چه شد!» ۶۹ از گمراهی بت پرست‌ها غم نخور و از نقشه‌هایی که می‌کشند، دلگیر نباش. ۷۰ به مسخره می‌پرسند: «اگر راست می‌گویید، این وعده عذاب کی می‌رسد پس؟! ۷۱ بگو: «شاید قسمتی از عذابی که می‌خواهید زودتر اتفاق بیفتد، در همین دنیا سراغتان بیاید!» ۷۲ البته خدا به مردم لطف دارد؛ ولی بیشترشان شکر نمی‌کنند. ۷۳

خدا باخبر است از آنچه در دل‌هایشان پنهان می‌کنند و آنچه آشکار می‌کنند. ۷۴ هیچ چیز نهانی در آسمان و زمین نیست، مگر آنکه در کتابی روشن ثبت است. ۷۵ در واقع، این قرآن بیشتر چیزهایی را که بنی اسرائیل بر سرش اختلاف دارند، برایشان روایت می‌کند. ۷۶

قرآن، همچنین، راهنمایی و رحمتی ویژه برای مؤمنان است. ۷۷ البته خدا بر اساس حکم خود، بین بنی اسرائیل داوری می‌کند؛ زیرا او شکست‌ناپذیر داناست. ۷۸ پس به خدا توکل کن؛ چون در مسیر درست و روشنی هستی. ۷۹

البته تو نه می‌توانی حرفت را به مرده‌دل‌ها برسانی، نه دعوتت را با جماعتی مطرح کنی که خودشان را به کری زده و به حق پشت کرده‌اند. ۸۰ و نه جماعتی را از گمراهی نجات دهی که خودشان را به کوری زده‌اند؛ بلکه حرفت را به گوش فقط کسانی می‌توانی برسانی که آمادگی پذیرش آیه‌های ما را دارند و در برابر حقیقت تسلیم‌اند. ۸۱ در آخرالزمان که وقت عذاب بت‌پرست‌ها می‌رسد، برایشان مخلوقی از زمین بیرون می‌آوریم که با آن‌ها حرف می‌زند! چون مردم آن زمان، دیگر به نشانه‌های عادی ما یقین پیدا نمی‌کنند. ۸۲

روزی که از هر ملتی گروهی را جمع می‌کنیم که آیه‌های ما را دروغ می‌دانستند. بعد، به صف می‌شوند. ۸۳ وقتی حاضر شدند، خدا می‌پرسد: «آیا آیه‌های مرا، بی‌آنکه درباره‌شان تحقیق کنید، دروغ دانستید؟! جز این دروغ‌بستن‌ها چه کار دیگری بلد بودید؟!» ۸۴ به‌سزای اینکه با انکار آیه‌ها بد کردند، فرمان عذاب درباره‌شان صادر می‌شود و دیگر حرفی برای گفتن ندارند! ۸۵

مگر نمی‌بینند که شب را تاریک آفریده‌ایم تا در آن استراحت کنند و روز را روشن، تا به کار مشغول شوند. در این پدیده‌ها، برای مردم باایمان، نشانه‌هایی از یکتایی خداست. ۸۶

روزی که در شیپور قیامت بدمند، همه آن‌هایی که در آسمان‌ها و زمین‌اند، به وحشت می‌افتند، جز آن‌که خدا بخواهد. همگی با فروتنی در پیشگاهش حاضر می‌شوند. ۸۷ مثلاً کوه‌هایی که الان می‌بینی و خیال می‌کنی ساکن‌اند، آن وقت مانند ابر به حرکت می‌افتند! این درهم‌ریختن پدیده‌ها کار همان خدایی است که آن‌ها را منظم و حساب‌شده آفریده بود. او آگاه است که چه می‌کنید: ۸۸

۱. مخلوقی که خدا در وقت پایان دنیا از زمین بیرون می‌آورد، کیست؟ چه ویژگی‌هایی دارد؟ چگونه بیرون می‌آید؟ به مردم چه می‌گوید... درباره‌اش در آیه‌های دیگر قرآن مطلبی نیامده است. در روایات هم، حرف مستند و شفافی به چشم نمی‌خورد. می‌شود گفت خود متن آیه بهترین دلیل است بر اینکه قرآن قصد دارد در این باره سربسته سخن بگوید. این آیه مثل آیه ۱۰ سورة دخان (ص ۴۹۶)، یکی از آیه‌های پُر رمز و راز قرآن به‌شمار می‌رود.

آنانی که کار خوب به قیامت بیاورند، بهتر از آن نصیبشان می شود و از وحشت روز قیامت در امان اند.^۱ ۸۹ آن هایی هم که کار بد به قیامت بیاورند، به رو در آتش پرت می شوند! آیا جز با همان کارهای زشتتان مجازات می شوید؟!^{۹۰}

بگو: «من مأمورم که صاحب شهر مکه را بندگی کنم که به این شهر حرمت و عزت بخشیده است. نه تنها مکه، بلکه همه چیز و همه جای عالم مال اوست. در یک کلام، مأمورم تسلیم او باشم.»^{۹۱} باید قرآن را هم به دقت برایتان بخوانم. هرکه در راه درست قدم بردارد، سودش به جیب خودش می رود و هرکه به بیراهه برود، دودش به چشم خودش می رود! بله، من فقط هشدار دهنده ام.»^{۹۲}

بگو: «الحمد لله. خدا به زودی آیه ها و نشانه هایش را به شما نشان می دهد و شما آن ها را می شناسید. البته خدا از کارهایتان بی خبر نیست.»^{۹۳}

سوره قصص

به نام خدای خوب مهربان

طا، سین، میم. ۱

این است آیه های کتابی که معلوم است کلام خداست. ۲

بخشی از داستان موسی و فرعون را برای آگاهی و عبرت مردم باایمان، به درستی و با دقت برایت می خوانیم. ۳ فرعون در سرزمین مصر برتری جویی کرد و بین مردم آنجا تفرقه انداخت و نژاد بنی اسرائیل را در فقر و فشار شدید قرار داد: پسرانشان را به بدترین وضع سر می برید و بانوانشان را برای بهره کشی نگه می داشت! او واقعاً اهل فساد بود. ۴

ولی ما می خواستیم بر بنی اسرائیل که سال ها دچار محرومیت شده بودند، نعمتی بزرگ ببخشیم، آنان را الگوی مردم و وارث سرزمین مصر و شامات^۲ کنیم، ۵

۱. آیه ۱۰۳ سوره انبیاء (ص ۳۳۱) را هم ببینید

۲. درباره منطقه شامات، یاورقی آیه ۲۱ سوره مائده (ص ۱۱۱) را ببینید.

در آنجا زمینه قدرتشان را مهیا کنیم و به دستشان، همان سرنوشت تلخی را به فرعون و هامان و لشکریانشان نشان دهیم که همیشه از آن می ترسیدند. ۶ بعد از به دنیا آمدن موسی، به دل مادرش انداختیم: «کودکت را فعلاً شیر بده. وقتی برای جانش احساس خطر کردی، او را در صندوقی بگذار و به رود نیل بینداز. ترس و اندوهی هم به دلت راه نده که دوباره او را به آغوشت برمی گردانیم و پیامبرش می کنیم.» ۷

مادر موسی همین کار را کرد. فرعونیان موسی را از آب گرفتند تا برخلاف انتظارشان دشمن جانشان شود و مایه اندوهشان! بله، فرعون و هامان و لشکریانشان در ازین بردن دشمن آینده خود، تیرشان به سنگ خورد! ۸ آسیه، همسر فرعون، گفت: «این بچه مایه چشم روشنی من و توست. نکشیدش! امیدوارم برایمان سودمند باشد یا اینکه او را به فرزند می بگیریم.» آن‌ها نمی دانستند فرداها چه پیش می آید! ۹

مادر موسی هم، با وعده‌ای که ما به او داده بودیم، دیگر دل شوره نداشت. اگر دلش را قرص نکرده بودیم تا از وعده ما خاطر جمع باشد، چیزی نمانده بود که رازش را فاش کند! ۱۰

هنگام به آب انداختن موسی، مادرش به خواهر او گفت: «دنبالش برو.» او هم، بی آنکه فرعونی‌ها بوی ببرند، دورا دور برادرش را می پایید. ۱۱ قبل از رسیدن خواهر موسی، کاری کردیم که او سینه بانوان شیرده را قبول نکند. خواهرش گفت: «خانواده‌ای را به شما معرفی بکنم که با دلسوزی تمام برایتان نگهش دارند؟» ۱۲

موسی را این طور به مادرش برگردانیم تا برق شادی در چشم‌هایش بدرخشد و دیگر غصه نخورد و به چشم خودش ببیند که وعده‌های خدا حق است؛ هرچند، بیشتر مردم تحقق وعده‌های الهی را باور ندارند! ۱۳

وقتی موسی جوانی رشید و رعنا شد، به او حکمت^۱ و دانش دادیم. به درستکاران این طور پاداش می دهیم. ۱۴

روزی موسی از کاخ بیرون آمد و بی آنکه مردم بفهمند، وارد شهر شد. دید دو نفر به جان هم افتاده اند: یکی شان بنی اسرائیلی بود و دوستش. آن یکی فرعونى بود و دشمنش. آن بنی اسرائیلی، علیه آن فرعونى، از موسی کمک خواست. موسی هم مشتى به طرف زد و ناخواسته کارش را ساخت!

بعد، با خود گفت: «دعوای این ها کار شیطان بود؛ چون او دشمنى است گمراه کننده و علنى!» ۱۵ دعا کرد: «خدایا، خودم را به دردسر انداختم. نجاتم بده.» خدا هم، طى برنامه اى، نجاتش داد؛ چون فقط اوست عیب پوشى مهربان. ۱۶ موسی ادامه داد: «خدایا، به پاس آن همه نعمت که به من داده اى، هرگز پشت و پناه گناهکارها نخواهم شد.» ۱۷

بیرون کاخ، شب را با نگرانی صبح کرد و هر لحظه منتظر اتفاقی بود. ناگهان همان که دیروز کمک خواسته بود، باز با داد و فریاد از او کمک خواست! موسی به او گفت: «واقعاً معلوم است که تو دردسرسازی!» ۱۸ وقتی موسی خواست به دشمن هر دویشان حمله کند، آن مرد بنی اسرائیلی به خیال اینکه موسی قصد تنبیه او را دارد، به موسی گفت: «می خواهی مرا هم بکشی، همان طور که دیروز یکی را کشتی؟! گویا در این شهر، جز قلدری هدفی نداری و نمی خواهی بین طرفین دعوا آشتی برقرار کنی!» ۱۹

در همین وقت، مردی از آن سر شهر، حوالی کاخ فرعون، دوان دوان آمد و گفت: «موسی، درباری ها دارند با هم مشورت می کنند تا تو را بکشند. فوری از شهر بیرون برو که من دلسوز توام.» ۲۰ موسی با نگرانی از شهر بیرون رفت و هر لحظه منتظر اتفاقی بود. او دعا کرد: «خدایا، از شر این ستمکارها خلاصم کن!» ۲۱

۱. معنای حکمت را در پاورقی آیه ۱۲۹ سوره بقره (ص ۲۰) ببینید.

وقتی هم به طرف شهر مَدین روانه شد، دعا کرد: «امیدوارم خدا به مسیر درستی راهنمایی ام کند.» ۲۲

وقتی نزدیک چاه آب مَدین رسید، عده‌ای از مردم را دید که مشغول آب دادن به دام‌هایشان هستند. دوزن را هم آن طرف ترشان دید که جلوی گلّه خود را می‌گیرند تا به چاه آب نزدیک نشوند. از آن دو پرسید: «منظورتان از این کار چیست؟» گفتند: «پدرمان پیری سال خورده است و نمی‌تواند چوپانی کند. ما هم، تا چوپان‌ها گلّه‌هایشان را نبرند، گلّه را آب نمی‌دهیم.» ۲۳

موسی گلّه را برایشان آب داد. بعد، به سایه‌ای پناه برد و گفت: «خدایا، برای حفظ نیرویی که به من داده‌ای، به قوت و غذایی محتاجم.» ۲۴

در همین حال، یکی از آن دختران، درحالی که با حجب و حیا راه می‌رفت، پیش موسی آمد و گفت: «پدرم شما را دعوت کرده تا زحمتتان را برای آب دادن به گلّه ما جبران کند.» وقتی موسی پیش پدرشان آمد و سرگذشت خود را برایش تعریف کرد، پیرمرد گفت: «دیگر نترس؛ چون از شرّ ستمکارها نجات پیدا کرده‌ای.» ۲۵
یکی از آن دختران به پدرش پیشنهاد داد: «پدرجان، استخداًش کن؛ زیرا بهترین فرد برای این کار کسی است که مانند این آقا، قوی و امین باشد.» ۲۶
شعیب این طور با موسی مطرح کرد: «می‌خواهم یکی از دخترانم را همسر تو کنم؛ به شرط آنکه هشت سال برای من کار کنی. البته اگر آن را به ده سال برسانی، چه بهتر! اختیارت با خودت. نمی‌خواهم به تو سخت بگیرم. ان شاء الله می‌بینی که صاحب کار خوبی برایت خواهیم بود.» ۲۷

موسی گفت: «باشد. این قرار و مدار بین من و تو بسته شود. فقط هر کدام از آن دو مدت را به پایان رساندم، بازخواست نشوم. خدا، در قول و قرار می‌گذارد، شاهد است.» ۲۸

۱. او شعیب عَلَيْهِ السَّلَام بود، پیامبر مردم مَدین. دختران او هم، صفورا و لیا نام داشتند که اولی با حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام ازدواج کرد.

۲. کلید گنج سعادت قبول اهل دل است که شیان وادی آیمن رسد به مراد مباد کس که در این نکته شک و ریب کند که چند سال به جان خدمت شعیب کند

وقتی موسی مدت تعهد را به پایان رساند و به قصد برگشت به مصر، خانواده اش را با خودش برد، در راه و کنار کوه طور، آتشی دید. به خانواده اش گفت: «کمی صبر کنید. با همین چشم‌هایم آتشی دیدم. می‌روم مسیر را بپرسم یا پاره آتشی برایتان بیاورم تا با آن گرم شوید.» ۲۹

به آتش که نزدیک شد، از سمت راست دره، از درختی واقع در قطعه زمینی مبارک، صدایی برخاست: «موسی، منم همان خدایی که صاحب جهانیان است... ۳۰ چوب‌دستی‌ات را ببنداز.» وقتی دید ماری شده که خیلی فرزند می‌خزد، رویش را برگرداند و فرار کرد و پشت سرش را هم نگاه نکرد! «برگرد موسی و نترس: تو درامانی. ۳۱ حالا دستت را دریقه‌ات فرو کن تا درخشان بیرون بیاید، بی‌آنکه آسیبی ببیند. کمر همت ببند و در برابر سختی‌ها محکم بایست. این دو معجزه دو دلیل روشن از خدا برای فرعون و فرعونیان است؛ زیرا آن‌ها جماعتی منحرف‌اند.» ۳۲

عرض کرد: «خدایا، من یک نفرشان را کشته‌ام و می‌ترسم مرا بکشند. ۳۳ برادرم، هارون، سرزبان دارتر از من است. به‌عنوان دستیار، همراه من بفرستش تا حرف‌هایم را تأیید کند. آخر، می‌ترسم به دروغ‌گویی متهم کنند.» ۳۴ خدا فرمود: «به زودی پشتت را به برادرت گرم می‌کنیم و شما را بر آن‌ها مسلط می‌سازیم. به برکت معجزه‌هایمان به شما دست‌درازی نمی‌کنند. شما و پیروانتان پیروز میدان می‌شوید.» ۳۵

وقتی موسی معجزه‌های واضح ما را برایشان آورد، ادعا کردند: «این کارها جز جادو و جنبلی ساختگی، هیچ نیست! تا حالا هم، شبیه این حرف‌های موسی را در تاریخ نیاکانمان نشنیده‌ایم!» ۳۶ موسی گفت: «خود خدا بهتر می‌داند چه کسی از طرف او اسباب هدایت آورده است و عاقبت به خیری در انتظار کیست. به یقین، بدکارها خوشبخت نمی‌شوند.» ۳۷

بعد، فرعون به درباری‌هایش گفت: «من که برایتان صاحب اختیاری جز خودم نمی‌شناسم. با این حال ای هامان، برای تحقیق بیشتر، مصالح ساختمانی محکمی تهیه کن و رصدخانه‌ای بزرگ برایم بساز. با آنکه فکر می‌کنم موسی دروغگو باشد، شاید از خدایش اطلاعاتی به دست بیاورم.» ۳۸

فرعون و لشکریانش بدون هیچ توجیهی به تکبر و سرکشی در سرزمین مصر ادامه دادند و خیال می‌کردند به سوی ما برشان نمی‌گردانند. ۳۹ بالاخره، او و سپاهیان‌ش را گرفتیم و به دریا ریختیم! پس ببین که آخر عاقبت بدکارها چه شد! ۴۰ به آن‌ها در دنیا میدان دادیم تا سردمدار فساد و بی‌دینی شوند و مردم را به آتش جهنم دعوت کنند. ولی روز قیامت، جای هیچ عرض اندامی ندارند؛ چون کسی یاریشان نمی‌کند. ۴۱ در این دنیا، لعنت الهی را بدرقه راهشان کردیم و روز قیامت هم کلاً اوضاعشان به هم ریخته خواهد بود! ۴۲

بعد از آنکه نسل‌های قبلی را نابود کردیم، به موسی تورات را دادیم تا مایه بصیرت و راهنمایی و رحمت برای مردم باشد تا به خودشان بیایند. ۴۳

وقتی نبوت موسی را با فرستادن تورات کامل کردیم، تو ای محمد، در دامنه غربی کوه طور حضور نداشتی و از نزدیک، شاهد ماجرا نبودی؛ ۴۴ ولی با اینکه نسل های زیادی آوردیم و روزگار درازی بر آن ها گذشت، آن ماجرا را برای شرح دادیم. بین مردم شهر مدین هم ساکن نبودی تا از ماجرای موسی باخبر شوی و برای بت پرست های مکه بازگو کنی؛ ولی تو را به پیامبری فرستادیم و باخبرت کردیم. ۴۵

در کنار کوه طور هم نبودی، وقتی موسی را صدا زدیم و به پیامبری انتخابش کردیم؛ بلکه این لطف خدا بود که این طور خبرها را در اختیار گذاشت تا مردمی راهشدار دهی که بعد از عیسی، هیچ پیامبری به خود ندیده بودند؛ شاید به خودشان بیایند. ۴۶

آن ها، حتی قبل از انتخاب به پیامبری، باید به خاطر کارهای زشتشان به انواع بلا دچار می شدند؛ ولی برای اینکه بهانه نیاورند که: «خدایا، چرا برای ما هم پیامبری نفرستادی تا از آیه های پیروی کنیم و باایمان شویم؟!»، تو را به سویشان می فرستادیم. ۴۷

با این حال، وقتی قرآن از طرف ما به دستشان رسید، بهانه آوردند: «چرا قرآن، مثل تورات موسی، یکجا به محمد داده نشده است؟»^۲ خب، مگر قبلاً به تورات موسی کفر نورزیدند؟! و بالاخره گفتند: «تورات و قرآن، هر دو، جادو جنبل اند و پشتیبان یکدیگر و ما همه را از اصل، منکریم!» ۴۸

بگو: «اگر راست می گوئید، کتابی از طرف خدا بیاورید که بهتر از تورات و قرآن راهنمایی تان کند که من هم پیرو آن شوم.» ۴۹ اگر به پیشنهادت جواب مثبت ندادند، بدان که آن ها در واقع تابع میل خودشان هستند. چه کسانی گمراه تر از آن هایی اند که بی توجه به راهنمایی های خدا، تابع میل خودشان هستند؟! خدا دست چنین جماعت بدکاری را نمی گیرد. ۵۰

۱. در این باره، آیه یایانی فرقان را ببینید و همچنین، آیه ۱۶۵ نساء (ص ۱۰۴) و آیه ۱۹ مائده را (ص ۱۱۱).

۲. خدا تورات را یکجا به موسی علیه السلام داد و قرآن را به مرور در ۲۳ سال به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله داد. این بهانه جویی در آیه ۳۲ سوره فرقان (ص ۳۶۲) هم آمده است.

آیه‌های قرآن را یکی پس از دیگری به سویشان فرستادیم تا به خودشان بیایند. ۵۱ البته عده‌ای از کسانی که قبل از آمدن قرآن، به آنان کتاب آسمانی داده‌ایم، به قرآن ایمان می‌آورند. ۵۲ وقتی قرآن برایشان خوانده می‌شود، می‌گویند: «به آن ایمان آوردیم. سخن درستی است از طرف خدا. ما قبل از این هم، با بشارتی که تورات و انجیل به آمدنش داده بودند، تسلیمش بودیم.» ۵۳

به اینان به پاس استقامتشان، دوچندان پاداش می‌دهند. اینان در برابر بدرفتاری بردباری به خرج می‌دهند و از آنچه روزی‌شان کرده‌ایم، در راه خدا هزینه می‌کنند. ۵۴ وقتی حرف بیهوده از بت پرست‌ها بشنوند، از آن رو برمی‌گردانند و می‌گویند: «کارهای ما برای خودمان و کارهای شما برای خودتان. ما را به خیر و شما را به سلامت!» و با خود می‌گویند: «با نادان‌ها کاری نداریم.» ۵۵

تو نیستی که هرکه را دوست داری، به مقصود می‌رسانی؛ بلکه خداست که هرکه را لایق بداند، به مقصود می‌رساند؛ زیرا او افراد لایق را بهتر می‌شناسد. ۵۶ بت پرست‌های مکه بهانه دیگری آوردند: «اگر همراه تو از قرآن پیروی کنیم، آن وقت جماعت بی‌دین جان و مالمان را غارت می‌کنند!» مگر در مکانی امن ساکنشان نکردیم که همه رقم نعمت، که رزق و روزی ماست، به طرفش سرازیر می‌شود؟! ولی بیشترشان نمی‌دانند. ۵۷

چه شهرهای زیادی را نابود کردیم که با زندگی رفاه‌زده، خوشی زیر دلشان زده بود! حالا این خانه‌هایشان: بعد از آن‌ها همه متروکه شدند، جز چند خانه! بله، ما بییم که وارث همه چیز می‌مانیم. ۵۸ البته خدا بنا نداشته هیچ شهری را نابود کند، مگر بعد از آنکه به مرکزش پیامبری بفرستد تا آیه‌هایمان را برایشان بخواند. حتی بعد از فرستادن پیامبران نابودشان نکرده‌ایم، مگر آنکه اهالی‌شان بد کرده باشند. ۵۹

آنچه به شما داده شده، خوشی‌های زودگذر زندگی دنیا و زرق و برق آن است؛ درحالی‌که آنچه پیش خداست، بهتر است و ماندگارتر. پس چرا عقلتان را به کار نمی‌اندازید؟! ۶۰

کسی که وعده‌ای خوب به او داده‌ایم و او حتماً به آن می‌رسد، آیا مثل کسی است که از خوشی‌های زودگذر دنیا بهره‌مندش کرده‌ایم، ولی روز قیامت برای عذاب احضار می‌شود؟! ۶۱

روزی، خدا صدایشان می‌زند و می‌پرسد: «کجا ایند معبودهایی که به خیال خود، به جای من می‌پرستیدید؟!» ۶۲ معبودهایی که عذابشان حتمی شده، می‌گویند: «خدایا، این جماعت همان کسانی‌اند که از راه به درشان کردیم؛ البته همان طور که ما خود خواسته از راه به در شدیم، آن‌ها را هم به اختیار خودشان از راه به در کردیم. حالا پیش تو از آن‌ها بیزاری می‌جوییم. به زور که عبادتمان نمی‌کردند!» ۶۳ به آن جماعت گفته می‌شود: «معبودهایتان را برای کمک صدا بزنید.» صدایشان می‌زنند؛ ولی آن‌ها جوابی نمی‌دهند. اینجا دیگر، عذاب را می‌بینند. کاش در دنیا هدایت می‌شدند! ۶۴

روزی، خدا صدایشان می‌زند و می‌پرسد: «به پیامبران چه جوابی دادید؟» ۶۵ راه‌های ارتباطی، در آن روز، به رویشان بسته است و نمی‌توانند برای عذرتراشی، از هم چیزی بپرسند! ۶۶

اما آن‌هایی که توبه کنند و ایمان بیاورند و کار خوب بکنند، امید است که در جمع مردم خوشبخت قرار بگیرند. ۶۷

خدا هرچه بخواهد، می‌آفریند و هر قانونی اراده کند، وضع می‌کند. مردم در برابر قانون‌های خدا حق انتخاب ندارند. خدا کار درست است و برتر از آنکه به میل مردم عمل کند! ۶۸ البته خدا در وضع قوانین، از نیازهای روحی و جسمی‌شان خبردار است. ۶۹

اوست خدایی که معبودی جز او نیست. برازنده‌اوست سپاس در دنیا و آخرت و دست اوست قانون‌گذاری. آخرکار هم، فقط به سوی او برتان می‌گردانند. ۷۰

پیامبر! از آن‌ها بپرس: «به نظر شما، اگر خدا شب را تا قیامت طولانی کند، کدام معبود جز خدا می‌تواند برایتان روشنایی روز ایجاد کند؟! پس چرا گوش شنوا ندارید؟!» ۷۱

باز هم از آن‌ها بپرس: «به نظر شما، اگر خدا روز را تا قیامت طولانی کند، کدام معبود جز خدا می‌تواند تاریکی شب برایتان ایجاد کند تا در آن استراحت کنید؟! پس چرا چشم بینا ندارید؟!» ۷۲

بله، از لطف خودش، شب و روز را برایتان پدید آورد تا در شب استراحت کنید و در روز دنبال رزق و روزی‌اش بروید و برای اینکه شاید شکر کنید. ۷۳

روزی، خدا صدایشان می‌زند و می‌پرسد: «کجایند معبودهایی که به خیال خود، به جای من می‌پرستیدید؟!» ۷۴ از هر گروهی شاهدی جدا می‌کنیم و در حضورشان به بت پرست‌ها می‌گوییم: «برای درستی بت پرستی دلیلتان را بیاورید.» آن وقت می‌فهمند که حق با خداست و بت‌های ساختگی‌شان از جلوی چشم آن‌ها غیبشان می‌زند! ۷۵

قارون با اینکه از قوم موسی بود، در برابرشان قد علم کرد. آن قدر ثروت انباشته به او داده بودیم که جابه‌جایی صندوق‌هایش حتی برای چند باربر قوی سخت بود! قومش به او گفتند: «آنقدر به مال و منال نناز. خدا آن‌هایی را که به مال و منالشان می‌نازند، دوست ندارد. ۷۶ با آنچه خدا به تو داده است، سرای آخرت را به دست بیاور. فراموش نکن که سهمت از دنیا، برای گذران زندگی، چقدر است. همان‌طور که خدا در حق تو خوبی کرده است، تو هم خوبی کن و با اشرافی‌گری به دنبال برهم‌زدن آرامش جامعه نباش که خدا این جور آدم‌ها را دوست ندارد.» ۷۷

۱. بعضی با درپیش گرفتن زندگی اشرافی، تجمل‌گرایی، اصالت دادن به مارک و مد و برند، با اعصاب و روان توده مردم، که زندگی متوسط یا پایینی دارند، بازی می‌کنند. رسانه‌های عمومی، فضای مجازی، تبلیغات پر زرق و برق هم در تشدید این مسابقه چندش‌آور نقش‌آفرین‌اند. بدتر از همه، وارد شدن خواص در این رقابت شیطانی و هوس‌آلود است که کار فرهنگی را برای متولیان و دلسوزان جامعه خیلی سخت می‌کند.

قارون جواب داد: «این همه ثروت با شِمِّ اقتصادی خودم گیرم آمده است!» مگر نمی دانست که خدا نسل‌هایی را قبل از او نابود کرده که به مراتب، قوی‌تر و مال‌اندوزتر از او بودند؟! بله، چنین گناهکارهایی بدون آنکه از گناهانشان سؤالی شود، نابود می‌شوند! ۷۸

روزی قارون با کبکبه و دبدبه بین مردم آمد. دنیا طلب‌های ظاهربین گفتند: «ای کاش جاه و جلالتی را که به قارون داده‌اند، به ما هم می‌دادند! راستی راستی که او خیلی خوش شانس است!» ۷۹ اما افراد با معرفت گفتند: «وای بر شما! برای آن‌هایی که ایمان بیاورند و کارهای خوب بکنند، ثواب الهی بهتر از مال و منال قارون است. البته فهم این حقیقت را فقط به اهل صبر می‌دهند!» ۸۰

سرانجام، او و خانمانش را در قعر زمین فرو بردیم! پس در برابر خدا، نه حامیانی داشت که یاری‌اش کنند و نه خودش توان دفاع از خودش را داشت. ۸۱ همان کسانی که دیروز آرزو داشتند به جای او باشند، می‌گفتند: «عجب! مثل اینکه خداست که روزی هرکه را صلاح بداند، زیاد و کم می‌کند! اگر خدا به آرزوهای پوچ ما گوش کرده بود، ما را هم الان در قعر زمین فرو برده بود. عجب! مثل اینکه بی‌دین‌ها خوشبخت نمی‌شوند!» ۸۲

بله، سرای آخرت را نصیب کسانی می‌کنیم که در جامعه نه می‌خواهند قلدری کنند و نه خراب‌کاری. عاقبت به‌خیری هم در انتظار خودمراقبان است. ۸۳ آنانی که کار خوب به قیامت بیاورند، بهتر از آن نصیبشان می‌شود و آن‌هایی که کار بد به قیامت بیاورند، جز با همان کارهای بدشان مجازات نمی‌شوند. ۸۴

همان کسی که تلاوت و تبلیغ و عمل به قرآن را بر تو واجب کرد، با سربلندی به مکه بَرَت می‌گرداند. در جوابِ بت پرست‌ها بگو: «خدا بهتر می‌داند چه کسی اسباب هدایت آورده و چه کسی غرق گمراهی است.» ۸۵

توان انتظار نداشتی که با این کتاب مواجه شوی؛ ولی این، یکی از الطاف خدا بود. پس برای لحظه‌ای حتی، پشت‌وپناه بی‌دین‌ها نشو. ۸۶ بعد از آنکه آیه‌های الهی به‌سویت فرستاده شد، مبادا تو را از تلاوت و تبلیغ آن بازدارند. مردم را به‌سوی خدا دعوت کن و برای لحظه‌ای حتی، بت پرست نشو ۸۷ و هم‌ردیف خدا، معبود دیگری را صدا نزن؛ زیرا معبودی جز او نیست. همه چیز، جز جلوهٔ خدا، نابودشدنی است. فرمانروایی جهان دست اوست و روز قیامت فقط به‌سوی او بَرَتان می‌گردانند. ۸۸

سورهٔ عنکبوت

به نام خدای خوبِ مهربان

الف، لام، میم. ۱

نکنند مردم خیال می‌کنند همین‌که ادعا کنند «اسلام آورده‌ایم»، به حال خودشان رها می‌شوند و امتحان پس نمی‌دهند؟! ۲ مردم قبل از آن‌ها را هم امتحان کرده‌ایم. خدا کسانی را که راست می‌گویند، حتماً معلوم می‌کند و دروغگوها را هم حتماً معلوم می‌کند. ۳

از آن طرف، بت پرست‌هایی که به مسلمانان آزار می‌رسانند، خیال می‌کنند از چنگ ما فرار خواهند کرد؟! بد قضاوت می‌کنند! ۴

هرکه با قبول معاد، به دیدار خدا امیدوار است، باید تلاش کند؛ زیرا زمان دیدار خدا حتماً فرا می‌رسد و اوست شنوای دانا. ۵ بله، هرکه تلاش کند، تنها به سود خودش تلاش کرده است. آخر، خدا از جهانیان کاملاً بی‌نیاز است. ۶

کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای خوب کرده‌اند، گناهانشان را حتماً محو می‌کنیم و پاداششان را بر اساس بهترین کارهایشان می‌دهیم. ۷

به انسان سفارش کردیم که تا می‌توانی در خدمت پدر و مادرت باش. اگر هم سعی کردند چیزهای دیگری را بی‌دلیل به‌جای من بپرستی، اطاعتشان نکن. به‌سوی من است برگشتنتان؛ پس شما را از کارهایتان باخبر می‌کنم. ۸

کسانی را که ایمان آورده‌اند و کارهای خوب کرده‌اند، حتماً در حلقه‌ی شایستگان وارد می‌کنیم. ۹

بعضی از مردم به‌زبان می‌گویند: «به خدا ایمان آورده‌ایم.» ولی وقتی به‌خاطر این اسلام‌آوردنشان آزاری ببینند، فشار و تهدید دشمن را با عذاب الهی یکی فرض می‌کنند^۱ و اگر پیروزی و غنیمتی از طرف خدا به‌دست بیاید، می‌گویند: «ما هم با شما بودیم.» آیا خدا بهتر نمی‌داند که در دل مردم چه می‌گذرد؟! ۱۰

به‌هرحال، خدا مسلمانان را حتماً معلوم می‌کند و منافقان را هم حتماً معلوم می‌کند. ۱۱

سران بت‌پرست مکه به‌تازه‌مسلمانان می‌گفتند: «بیایید در راه ما. گناهانتان گردن ما!» ولی چیزی از گناهان آنان را به‌گردن نخواهند گرفت؛ زیرا آن‌ها دروغ‌گویند. ۱۲

چرا! در قیامت، بار سنگین گناهان خود را و علاوه بر آن، بار گناه گمراه‌کردن دیگران را به‌دوش می‌کشند و از این دروغ‌بافی‌هایشان حتماً بازخواست می‌شوند! ۱۳

نوح را به‌سوی قومش فرستادیم. او نهصد و پنجاه سال، یعنی نزدیک به هزار سال، میانشان پیامبری کرد. سرانجام و درحالی‌که هنوز بدکار بودند، طومارشان را سیلاب ویرانگر در هم پیچید. ۱۴

۱. یعنی به‌جای اینکه از عذاب الهی بترسند و سراغ کفر نروند، از آزار بت‌پرست‌ها می‌ترسند و ترک دین می‌کنند!

او و سرنشینان کشتی را نجات دادیم و آن حادثه را درس عبرتی کردیم برای جهانیان. ۱۵

ابراهیم را هم به سوی قوم خودش فرستادیم. به آن‌ها گفت: «خدا را پرستید و در حضورش مراقب رفتارتان باشید. این برایتان بهتر است، البته اگر به برکت‌های این کاری ببرید! ۱۶ فقط بت‌های بی‌جان را به جای خدا می‌پرستید و به دروغ، معبودشان می‌دانید؛ چون کسانی که به جای خدا می‌پرستید، اختیار رزق و روزی‌تان را ندارند؛ بنابراین در خانه خدا دنبال رزق و روزی باشید و او را عبادت کنید و شکرش را به جا آورید. آخر، فقط به سوی او برتان می‌گردانند. ۱۷ اگر مرا دروغگو بدانید، تعجبی ندارد: ملت‌های قبل از شما هم پیامبران‌شان را دروغگو دانستند. پیامبر جز رساندن صریح پیام الهی وظیفه‌ای ندارد.» ۱۸

مگر ندیده‌اند که خدا موجودات را چطور پدید می‌آورد و بعد از مرگ، دوباره زنده‌شان می‌کند؟! بله، برای خدا آفرینش دوباره آسان است. ۱۹

بگو: «به گوشه‌وکنار دنیا سفر کنید و ببینید که خدا موجودات را چطور پدید آورده است! او جهان آخرت را همین‌طور به وجود می‌آورد؛ زیرا خدا از عهده هر کاری برمی‌آید. ۲۰ هرکه را مستحق عذاب بداند، مجازات می‌کند و هرکه را لایق ترحم بداند، می‌آمرزد؛ چون آخرعاقبت شما فقط به خدا ختم می‌شود. ۲۱ شما نمی‌توانید حریف خدا شوید نه در زمین و نه در آسمان. جز خدا هم یار و یابوری ندارید.» ۲۲

کسانی که آیه‌ها و نشانه‌های خدا را رد می‌کنند و دیدارش در روز قیامت را باور نمی‌کنند، از لطف من باید ناامید باشند و عذابی زجرآور نصیبشان می‌شود. ۲۳

جواب قوم ابراهیم به او یک کلام بود: «بکشیدش یا بسوزانیدش!» پس او را در آتش انداختند؛ اما خدا نجاتش داد. در این ماجرا، برای مردم مؤمن نشانه‌هایی از یکتایی خداست. ۲۴

ابراهیم از راهنمایی‌شان دست نکشید: «در زندگی دنیا، به بهانه حفظ آداب و رسوم اجتماعی و دنباله‌روی از اجدادتان، بت‌ها را می‌پرستید؛ ولی در قیامت همین بت‌ها رابطه با شما را انکار می‌کنند و همین شما همدیگر را لعنت می‌کنید. جایگاهتان آتش است و دیگر هیچ یاوری ندارید.» ۲۵ البته لوط تأیید و تصدیقش کرد.

ابراهیم گفت: «من برای تبلیغ دین خدا مهاجرت می‌کنم؛ زیرا فقط اوست شکست‌ناپذیر کاردست.» ۲۶ به او پسری بخشیدیم به نام اسحاق، و نوه‌ای به نام یعقوب. به نسل او نعمت پیامبری و آمدن کتاب آسمانی دادیم. هم در دنیا به او پاداشش را دادیم و هم در آخرت جزو شایستگان برتر خواهد بود. ۲۷

لوط را هم به سوی قوم خودش فرستادیم. به آن‌ها هشدار داد: «شما مرتکب آن کار بسیار زشتی می‌شوید که تابه‌حال کسی از مردم دنیا انجامش نداده است! ۲۸ آیا شما سراغ همجنس‌بازی می‌روید و راه تولیدمثل را قطع می‌کنید؟! و حتی در محافل عمومی جلوی چشم همدیگر آن کار ناپسند را انجام می‌دهید؟!»

جواب قومش به او یک کلام بود: «اگر راست می‌گویی، عذاب خدا را بر سرمان بیاور!» ۲۹ لوط گفت: «خدایا، در برابر این جماعت فاسد کمکم کن.» ۳۰

وقتی مأموران ما با مژدهٔ بچه‌دارشدن ابراهیم، پیش او آمدند، با اشاره به شهر لوط گفتند: «ما اهالی این شهر را نابود خواهیم کرد؛ زیرا اهالی اش جماعتی بدکارند.» ۳۱

ابراهیم گفت: «در این شهر که لوط زندگی می‌کند!» گفتند: «ما بهتر می‌دانیم چه کسی در آن زندگی می‌کند. او و خانواده‌اش را حتماً نجات می‌دهیم، جز زنش را که با جامانده‌ها، گرفتار عذاب خواهد شد.» ۳۲

وقتی مأموران ما پیش لوط آمدند، او از آمدنشان نگران شد و از اینکه نمی‌توانست به آنان کمک کند کلافه بود. مأموران گفتند: «تترس و نگران نباش؛ چون ما تو را و خانواده‌ات را نجات می‌دهیم، جز زنت را که با جامانده‌ها، گرفتار عذاب خواهد شد. ۳۳ ما بر سر مردم این شهر به سزای کار بسیار زشتی که دائم مشغولش هستند، عذابی سخت از آسمان فرو می‌فرستیم.» ۳۴ البته آثار واضحی از آن شهر باقی گذاشتیم، برای مردمی که عقلشان را به کار می‌اندازند. ۳۵

برای هدایت مردم شهر مدین، همشهری‌شان شعیب را فرستادیم. او گفت: «مردم! خدا را بپرستید و به آخرت امید ببندید و با خیره‌سری، در جامعه آشوب راه نیندازید.» ۳۶ ولی به دروغ‌گویی متهمش کردند. دست‌آخر، زلزلهٔ ویرانگری در برشان گرفت و آن وقت زیر آوار خانه‌هایشان به زانو درآمدند. ۳۷

مردم عاد و ثمود را هم نابود کردیم. سرنوشت شومشان از خانه‌های خالی و خرابشان پیداست. شیطان کارهای زشتشان را در نظرشان رنگ و لعاب داد و در نتیجه، از راه خدا بازیشان داشت؛ با آنکه قبلاً با بصیرت و درستکار بودند! ۳۸

همچنین، قارون و فرعون و هامان را نابود کردیم. البته موسی آیه‌ها و معجزه‌های روشنی برایشان آورد؛ اما آن‌ها در زمین تکبر به خرج دادند. به هر حال، از چنگ ما نتوانستند فرار کنند. ۳۹

پس گریبان همه‌شان را به سزای گناهانشان گرفتیم: بر سر بعضی طوفان شن فرستادیم، بعضی دیگر را غرّشی وحشت‌زا در بر گرفت، بعضی را در قعر زمین فرو بردیم و بعضی را هم غرق کردیم. خدا بنا نداشت که به آن‌ها بد کند؛ بلکه خودشان به خودشان بد می‌کردند. ۴۰

حال بت پرست‌هایی که به جای خدا کس و کاری برای خودشان انتخاب می‌کنند، مثل حال عنکبوت است که با تارهایش خانه‌ای ساخته است! ای کاش می‌دانستند که سست‌ترین خانه‌ها خانه عنکبوت است! ۴۱ خدا می‌داند که آن‌ها چه چیزهای بی‌ارزشی را به جای خدا صدا می‌زنند. او شکست‌ناپذیرِ کاردرست است. ۴۲

این نکته‌ها را برای مردم می‌آوریم؛ ولی فقط افراد خوش‌فهم درکشان می‌کنند. ۴۳ خدا آسمان‌ها و زمین را بر اساس حکمت آفرید. در این آفرینش، برای مؤمنان نشانه‌ای از یکتایی خداست. ۴۴

پیامبر! هر چقدر از آیه‌های قرآن را که به تو وحی شده است، به دقت بخوان. نماز را هم با آدابش بخوان که نماز جلوی کارهای زشت و ناپسند را می‌گیرد و البته از آن مهم‌تر یاد کردن خداست. خدا ریزه‌کاری‌های گفتار و رفتارشان را می‌داند. ۴۵